

آغاز نبّوت

* دکتر منصور پهلوان*

** حامد شریعتی نیاسر*

چکیده: درباره زمان آغاز نبّوت پیامبر اسلام ﷺ بین دانشمندان مسلمان، اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای را نظر بر این است که آغاز نبّوت پیامبر ﷺ در سن چهل سالگی بوده است و بعضی این زمان را از بدء طفولیت و پایان دوره شیرخوارگی می‌دانند. عده‌ای نیز با استناد به حدیث «كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطَّينِ»، آغاز نبّوت پیامبر ﷺ را قبل از خلق آدم ﷺ دانسته‌اند. مسئله این تحقیق آن است که زمان آغاز نبّوت پیامبر اکرم ﷺ کی بوده و آیین ایشان قبل از بعثت چه بوده است.

کلید واژه‌ها: رسالت / بعثت / پیامبری / نبی / رسول / پیامبر ﷺ / شوّق صدر.

Email : pahlevan@ut.ac.ir

Email : hshariati.ut.ac.ir

* . استاد دانشگاه تهران.

** . دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تهران.

طرح مسئله

در خصوص زمان آغاز نبوت پیامبر اسلام ﷺ اقوال گوناگونی وجود دارد که هر کدام نتایج و لوازم متفاوتی دارد. برخی گفته‌اند که آغاز نبوت رسول خدا ﷺ از بد و خلقت و حتی قبل از آفرینش آدم بوده است. برخی نیز گفته‌اند که پیامبر از همان بدو تولد و صباوت نبی بوده و به شریعت خود عمل می‌کرده، اماً مأمور به تبلیغ نبوده است. برخی نیز آغاز نبوت را مطابق آنچه امروز نیز مشهور است، در سن چهل سالگی ایشان دانسته‌اند.

آنچه در این مقاله تحقیق شده، آن است که پیامبر اکرم ﷺ از بد و طفولیت، مؤید به تأییدات الهی بوده، اماً نبوت ایشان از سن چهل سالگی شروع شده و با ابلاغ آیه «فَاصْدِعْ بِمَا تُؤْمِنُ» رسالت و دعوت علنی ایشان آغاز شده است برآین «الحنفیة الْبَيْضَاء»، یعنی همان دین حضرت ابراهیم ﷺ بوده است.

۱) اقوال مختلف در آغاز نبوت پیامبر اکرم ﷺ

۱-۱) چهل سالگی

برخی را نظر بر این است که بین دو واژه «نبی» و «رسول» تفاوتی نیست و استعمالات قرآنی این دو کلمه مشابه است و هر دو به یک حقیقت اشاره دارند و آغاز نبوت رسول مکرم اسلام ﷺ هم‌زمان بابعثت و در سن چهل سالگی است. (مطهری، ص ۲۴ و ۳۳ و ۴۵-۴۲؛ سبحانی، الالهیات علی هدى الكتاب والسنۃ والعقل، ج ۲، ص ۶۲۱، خرازی، ص ۱۸۸؛ مجلسی، ج ۱۲، ص ۱۸ و ج ۱۲، ص ۲۶۶) حتی برخی تصریح دارند که اگرچه پیامبر از بد و طفولیت تحت مراقبتهای الهی بوده و مطابق آنچه امام علی علیه السلام ﷺ هم‌زمان بابعثت ایشان بوده است. (سبحانی، راز بزرگ رسالت، ص ۲۹۵-۲۹۴ و

(۳۰۱-۲۹۹)



در این فرض، مسلم است که پیامبر ﷺ به طور ناگهانی، مورد نزول وحی واقع نگردید و برخلاف گفته عده‌ای (بازرگان، ص ۱۶-۱۸) این گونه نبوده است که پیامبر ﷺ از رسالت ونبوت خویش آگاهی نداشته باشد و در غار حراء برای اول بار با فرشته وحی رویه روگشته و پس از آن، برای تأیید و حصول اطمینان از صحّت مشاهده خود به یک عالم مسیحی متولّ شده باشد؛ بلکه این آمادگی، طی مراحلی پدید آمد و در خلوتها یی که پیامبر ﷺ در غار حراء داشت، صدای سروش غیبی را می‌شنید، ولی اورانمی دید (ابن‌کثیر، ج ۳، ص ۷۱۳) یا صدای فرشته‌ای را می‌شنید که او را «رسول الله» خطاب می‌کرد (ابن‌ابی‌الحدید، ج ۳، ص ۲۰۷) و پس از بعثت، جبرئیل را در حالی که او را رسول الله خطاب می‌کرد، دید (ابن شهراشوب، ج ۱، ص ۴۴) و گاه می‌شد که سنگ و درخت و کوه بر او سلام می‌کردند (ابن‌اثیر، ج ۳، ص ۵۵)^۱ و رؤیاهای صادقه - که جزئی از نبوت یا نوعی از وحی به شمار می‌آیند - مشاهده می‌کرد و هرچه زمان بعثت نزدیک‌تر می‌شد، مدت تھنّث در غار حراء و میل به تفکّر و عبادت در او فزونی می‌یافت.

در این فرض، مسلم است که آغاز نبوت از سنّ چهل سالگی، در ماه ربیع یا در ماه رمضان است که هریک‌از این دو تاریخ شواهد روایی خاص خود را دارد.^۲ لذا مطابق این نظر حتی برفرض تفاوت لغوی و محتوایی دو واژه نبی و رسول، نبوت پیامبر اسلام هم‌زمان با رسالت ایشان آغاز شده است و تفاوتی به لحاظ زمانی بین این دو امر نیست و این مسئولیت مهم از سن چهل سالگی، بر دوش پیامبر نهاده شده است.

دلیل دیگر معتقدان به آغاز نبوت از چهل سالگی، برخی آیات قرآن (شوری ۴۲) /

- قال أبو شامة: وقد كان رسول الله ﷺ يرى عجائب قبل بعثته، فمن ذلك ما في صحيح مسلم عن جابر بن سمرة قال: قال رسول الله ﷺ: «إِنِّي لَا عُرْفَ حِجَرًا بِمِكَّةَ كَانَ يَسْلَمُ عَلَيْهِ قَبْلَ أَنْ أَبْعَثَهُ إِنِّي لَا عُرْفَهُ الْآنِ».
- نک: مجلسی، ج ۱۸، ص ۱۹۰؛ ابن‌هشام، ص ۲۳۹ و ۲۴۰؛ ابن‌سعد، ج ۱، ص ۱۹۴؛ ابن‌کثیر، ج ۱، ص ۳۲۹؛ رهبری، ص ۱۰۰-۱۳۳؛ رسولی محلاتی، ص ۳۰-۳.



۵۲؛ عنکبوت (۲۹) / ۴۸؛ یونس (۱۰) / ۱۶؛ قصص (۲۸) / ۸۶؛ آل عمران (۳) / ۴۴؛ یوسف (۱۲) / ۱۰۲ است که به ظاهر، دلالت دارند که پیامبر ﷺ تا قبل از رسالت، گرچه موحد و یکتاپرست بود، ولی نبی نبود.^۱ (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۷، ص ۶۲ و ۱۶۱) از آن جمله است آیه «وَجَدَكَ ضَالًاً فَهَدَى» (ضحي ۹۳) / ۷ که بحثها و احتمالات فراوانی در خصوص آن، از سوی مفسران مطرح شده است، (نک: فخر رازی، ج ۳۱، ص ۱۹۷)^۲ که یکی از آنها تفسیر ضلالت و هدایت، به نآگاهی و آگاهی از اسرار نبوت و قوانین و معارف قرآن است؛ بدین معنا که تو هرگز از این امور آگاه نبودی و خدا بود که این نور را در قلب تو افکند تا با آن انسانها را هدایت کنی. (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ج ۷، ص ۶۲ و ۱۶۱)

بر این نکته، باید افزود که «ضال» در لغت عرب، سه معنای گمراه، گمشده و گمنام دارد (بن فارس، ج ۳، ص ۳۵۶ و ۳۵۷)^۳ که تفسیر آیه به هر یک از این معانی،

۱. در ادامه پاسخ طرفداران نظریه آغاز نبوت پیامبر ﷺ قبل از چهل سالگی، در استدلال به این آیات خواهد آمد.

۲. فخر رازی در این خصوص می‌گوید: «فاعلم أن بعض الناس ذهب إلى أنه كان كافراً في أول الأمر، ثم هدأ الله و جعله نبياً، قال الكلبي: «وَجَدَكَ ضَالًاً يعني كافراً في قوم ضلال فهداك للتوحيد؛ و قال السدي: كان على دين قومه أربعين سنة؛ و قال مجاهد: وجدك ضالاً عن الهدى لدعينه؛ و احتجوا على ذلك بآيات آخر، منها قوله: ﴿مَا كُنْتَ تَدْرِي تَمَّا الْكِتَابُ وَلَا إِلَيْهَا﴾ (شوری ۴۲) / ۲۵ و قوله: ﴿وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ﴾ (یوسف ۱۲) / ۳۰ و قوله: ﴿لَئِنْ أَشْرَكْتَ لِيْجُبْطَنَ عَمَّلَكَ﴾ (زم ۳۹) / ۵۶ فهذا يقتضي صحة ذلك منه، وإذا دلت هذه الآية على الصحة وجب حمل قوله: «وَجَدَكَ ضَالًاً عليه؛ و أما الجمهور من العلماء فقد اتفقوا على أنه لما ينزل ما كفر بالله لحظة واحدة. ثم قالت المعتزلة: هذا غير جائز عقلاً لمام فيه من التنفيذ؛ و عند أصحابنا هذا غير ممتنع عقلاً لأنَّه جائز في العقول أن يكون الشخص كافراً في زمان الله الإيمان ويكرمه بالنبوة، إلا أنَّ الدليل السمعي قام على أنَّ هذا الجائز لم يقع و هو قوله تعالى: ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَ مَا غَوَى﴾. (نجم ۵۳) / ۲ ثم ذكروا في تفسير هذه الآية وجوهاً كثيرة.

۳. وكل جائز عن القصد ضال والضلالة بمعنى؛ و رجل ضليل و مضلل إذا كان صاحب ضلال و باطل؛ و متى يدل على أنَّ أصل الضلال ما ذكرناه، قولهم أضل الميت إذا دفن؛ وذاك كأنه شيء قد ضاع و يقولون ضلَّ اللَّبَنُ فِي الْمَاءِ ثُمَّ يَقُولُونَ اسْتَهْلَكَ؛ و قال في أضل الميت: وَآبَ مَضْلُوهُ بَعْنَ جَلِيلٍ وَغَوْدَرٍ بالجولان حزم و نائل. (صفحة ۳۵۷) قال ابن السكيت: يقال أضللت بغيري إذا ذهب منك و ضللت المسجد والدار إذا لم تهتد لهما و كذلك كل شيء مقيم لا يهتدى له و يقال أرض مضلة و مضلة.

خدشه‌ای به ساحت مقدس رسول خدا^{علیه السلام} وارد نمی‌آورد و گمراهی مورد اشاره هرگز معادل کفر و شرک و... نیست؛ زیرا این آیه ناظر به دوران کودکی پیامبر^{علیه السلام} است و طبعاً انسان در دوران صباوت و کودکی، کمالات دوران جوانی و میانسالی را ندارد.

همچنین اگر ضال به معنای گم شده باشد، در این صورت، با در تقدیرگرفتن لفظ «إلى بيتك» پس از «فهداك» (نک: سبحانی، منشور جاوید، ج ۶، ص ۹۶-۸۸) معنای آیه اشاره به دوران کودکی پیامبر دارد که در شعاب مکه، گم شده بود و اگر رحمت الهی شامل حال او نگشته بود، جان خود را از دست می‌داد.

اگر مقصود از ضال، گمنام باشد، در این صورت «فهدی» به معنای هدایت پیامبر نیست؛ بلکه منظور هدایت مردم به سوی پیامبر است.^۱ (مجلسی، ج ۱۶، ص ۱۳۸) اینها همگی به این دلیل است که مطابق نقلهای مسلم تاریخی، رسول خدا^{علیه السلام} نه تنها به لحاظ عقیده موحد و یکتاپرست بود، بلکه در طول سال، همواره در موقع خاصی، به تهجد و اعتکاف می‌پرداخت (سیوطی، ج ۱، ص ۵۰ و ۵۱) و نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت و حج به جا می‌آورد و از پلیدیهای رایج آن زمان خصوصاً گوشت مردار دوری می‌گزید و در این خصوص، اختلافی بین دانشمندان مسلمان وجود ندارد. (سبحانی، راز بزرگ رسالت، ص ۲۹۴-۲۹۵ و ۳۰۱-۲۹۹)

۱-۲) قبل از چهل سالگی

در این خصوص، دو احتمال داده شده است: یکی آغاز نبوت از بد و طفولیت؛ و دیگری برخورداری پیامبر^{علیه السلام} از مقام نبوت حتی قبل از آفرینش آدم. بعثت پیامبران الهی -که برترین و خاتم آنها پیامبر بزرگوار اسلام بوده، مراحل و

۱. أَنَّ الْمَعْنَى، وَجَدَكَ مُضْلِلًا عَنْكَ فِي قَوْمٍ لَا يَعْرِفُونَ حَقَّكَ، فَهَدَاهُمْ إِلَى مَعْرِفَتِكَ وَأَرْشَدَهُمْ إِلَى فَضْلِكَ، وَالاعْتِرَافُ بِصَدْقَكَ؛ وَالْمَرَادُ أَنَّكَ كُنْتَ خَامِلًا لَا تَذَكَّرُ وَلَا تَعْرِفُ، فَعَرَّفَكَ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ حَتَّى عَرَفُوكَ وَعَظَّمُوكَ.



درجاتی داشته که یکی از آن مراحل «نبوت» است. این مرحله قبل از مرحله رسالت بوده، مرحله‌ای است که از طریق فرشتگان یا در خواب یا از طریق الهام، به آنها وحی می‌شده و دستورها یا خبرهایی از جانب خدای تعالیٰ به ایشان داده می‌شد، و آنان مأمور به عمل بدان می‌شدند؛ ولی مأمور به ابلاغ و رساندن آنها به دیگران نبودند. در این مرحله، آنها «نبی» بودند نه رسول. کلینی للہ به سند خود از زید شحام روایت کرده است که گوید: از امام صادق علیہ السلام شنیدم که فرمود:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ عَبْدًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ نَبِيًّا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ نَبِيًّا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ رَسُولًا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ رَسُولًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَهُ خَلِيلًا وَإِنَّ اللَّهَ اتَّخَذَهُ خَلِيلًا قَبْلَ أَنْ يَجْعَلَهُ إِمَامًا فَلَمَّا جَمَعَ لَهُ الْأَشْيَاءَ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا.

(کلینی، ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۹)

به راستی که خدای تعالیٰ ابراهیم را به بندگی خویش برگرفت پیش از آنکه به نبوت برگیرد؛ و خدای تعالیٰ او را به نبوت خویش برگرفت پیش از آنکه به رسالت برگیرد؛ و به رسالت برگرفت پیش از آنکه به دوستی خود برگیرد؛ و به دوستی برگرفت پیش از آنکه به امامت برگیرد. چون همه اینها را برای او گرد آورد، فرمود: «من تو را برای مردم امام قرار دادم». همچنین، زراره نقل کرده است: از امام باقر علیہ السلام معنای آیة شریفه «وَ كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا» و فرق میان «رسول» و «نبی» را پرسیدم، آن حضرت در پاسخ من فرمود: **النَّبِيُّ الَّذِي يَرَى فِي مِنَامِهِ وَ يَسْمَعُ الصَّوْتَ وَ لَا يَعْلَمُ الْمَلَكَ وَ الرَّسُولَ الَّذِي يَسْمَعُ الصَّوْتَ وَ يَرَى فِي الْمَنَامِ وَ يَعْلَمُ الْمَلَكَ ... (همانجا)**

نبی کسی است که در خواب فرشته را ببیند و صدای او را بشنود، ولی به عیان، فرشته را نبیند. و رسول کسی است که صدا را بشنود و در خواب ببیند و در عیان نیز او را مشاهده کند.

در روایت دیگری، از امام صادق علیہ السلام نقل شده است:

الأنبياء و المرسلون على أربع طبقات: فنبيٌّ منبأً في نفسه لا يعدو غيرها؛ و

نبيٌّ يرى في النوم ويسمع الصوت ولا يعيشه في اليقظة ولم يبعث إلى أحد...

(همانجا)

أنبياء ورسولان بر چهار طبقه‌اند: «نبيٌّ» ای که تنها به او خبر رسیده است و از او به دیگری تجاوز نکند؛ «نبيٌّ» ای است که در خواب ببیند و صدا را بشنود و در بیداری او را نبیند و به سوی دیگری هم مبعوث نشده.

۱-۳) آغاز نبوت قبل از خلقت آدم ﷺ

یکی از عواملی که موجب شده تا این باور شکل گیرد که آغاز نبوت پیامبر ﷺ قبل از خلقت آدم ﷺ بوده، آیه ۷۵ سوره ص و روایات فراوان موجود در منابع شیعی و سنی است که همگی به مسئله تقدّم وجودی پیامبر اکرم ﷺ بر جمیع ممکنات اشاره دارند. زمانی که ابلیس بر آدم سجد نکرد، خداوند متعال فرمود: «... یا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدِيِّ أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالَمِينَ: ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد تا برای چیزی که به دو دست خویش آفریده‌ام، سجاده آوری؟ آیا تکبّر نمودی یا از عالی مقامان بودی؟»

از این آیه شریفه، بر می‌آید که تنها دو گروه بر آدم ﷺ سجد نکردند: مستکبرین و آنان که عالی مقام بودند؛ لذا با این سؤال فهماند که ابلیس از عالی مقامان نبود؛ پس به یقین، از سر استکبار و عصيان سجد نکرده است. حال سؤال این است که این عالی مقامان چه کسانی‌اند؛ به یقین، اینان ملائک نیستند؛ چون طبق آیات قرآن کریم، همه ملائک مأمور به سجده بودند؛ لذا منظور از عالین کسانی‌اند که برتر از ملائک و برتر از آدم ﷺ هستند. روایات فراوانی در منابع شیعی و سنی وجود دارد که تأییدی بر این مدعای است؛ از جمله: ابوسعید خدری گوید:

نَرَدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نَسْتَسْتَهُ بُوْدِيْمُ. در این هنگام، مردی رو به آن حضرت نمود و گفت: يا رسول الله، مرا خبر ده از قول خدای عز و جل به ابلیس که «أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالَمِينَ؟» يا رسول الله، چه کسانی هستند اینان که برتر از ملائک مقرب‌اند؟



رسول الله ﷺ فرمودند: «ایشان من و علی و فاطمه و حسن و حسین هستیم. ما در سراپرده‌های عرش، خدا را تسبیح می‌کردیم و ملائک به تسبیح ما تسبیح می‌گفتند؛ دو هزار سال قبل از خلقت آدم. پس چون خدا آدم را آفرید، امر نمود ملائک را که بر او سجده نمایند و ملائک مأمور به سجده نشدند، مگر به خاطر ما. پس ملائک همگی سجده کردند؛ مگر ابليس که از سجده سر باز زد. پس خداوند تبارک و تعالی فرمود: «**يَا إِلِيَّسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدِيٍّ أَشْكُبْرَتْ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالَمِينَ؟**»

(بحرانی، ج ۴، ص ۶۸۴)

طریداران این نظر روایات فراوان موجود در منابع عامه و خاصه که از مضامین مشابهی برخوردار بوده، ظاهر آنها صراحة در اعطای نبوت به پیامبر اسلام قبل از آفرینش آدم ﷺ دارد، مستمسک قرار داده‌اند که برخی از این روایات به این شرح می‌باشد: «کنت نبیاً و آدم بین الماء و الطین.»؛ «کنت نبیاً و آدم بین الروح و الجسد.»؛ «کنت نبیاً و آدم منخول في طینته» (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۲۲؛ ابن شهرآشوب، ج ۱، ص ۱۸۳؛ فخر رازی، ج ۶، ص ۵۲۵)

بر مبنای این احادیث است که برخی از محققان زمان آغاز نبوت پیامبر ﷺ را قبل از آفرینش آدم دانسته‌اند. (الصالحی الشامی، ج ۱، ص ۹۶-۱۰۰) حتی برخی نیز به صراحة، بر این نکته تأکید دارند که: «وَالْحَقُّ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَتَعَبِّدًا بِشَرِيعَةِ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنَّهُ كَانَ نَبِيًّا حِينَ تُولَّدَهُ بَلْ حِينَ كَانَ الْأَدَمُ بَيْنَ الْمَاءِ وَالْطِينِ ثُمَّ صَارَ بَعْدَ ذَلِكَ رَسُولًا وَأَمْرَ بَانِ يَدْعُو النَّاسَ بَعْدَ أَرْبَعينِ سَنَةً.» (شبیر، ج ۱، ص ۲۴۴-۲۴۶. نیز نک: ابن شهرآشوب، ج ۱، ص ۱۸۳)

برخی نیز بر این ادعایند که اگرچه نخستین فرد انسانی در زمین و اولین نبی آدم ﷺ بود و او و دیگر انبیاء تا آن هنگام که صورت جسمانی آنها خلق نشده باشد، متصرف به صفت نبی نیستند، اما وجود روحانی نبی مکرم اسلام ﷺ بالفعل نبی بود و شرایع سایر انبیاء همان حکم نبوت وی بود که به دست آنها به مردم ابلاغ می‌شد



و پیامبران همگی نواب او بودند؛ همانگونه که در عالم دنیا هم پیامبر نمایندگانی را برای تبلیغ اسلام به شهرهای مختلف می‌فرستاد؛ لذا با این بیان، تمامی شرایع همان شریعت اسلام و شریعت نبی مکرم اسلام است و با ظهور صورت جسمانی وی، تمامی آنها نسخ شده‌اند (میلانی، ج ۵، ص ۲۲۳-۲۲۴)

در این نظریه، مطابق اخبار صحیحه، خداوند این کمال را به پیامبرش اعطای نموده که از همان بد و آفرینش، وجود نوری او دارای مقام نبوت باشد و مطابق آیات قرآن از تمامی انبیاء پیمان گرفته که اورا پیامبر و نبی خود بدانند و اگر در زمان آنها ظهور کرد یاری اش کنند که در آن صورت، آنها نبی برآمده خود هستند و پیامبر نبی آنها و لذا پیامبر اسلام نبی الانبياء است. (همان، ص ۲۵۰ و ۲۵۱)

همچنین در این باب، گفته شده که نبوت پیامبر اسلام از همان زمان اخذ پیمان از بنی آدم آغاز شده و تأثیر زمانی وجود جسمانی او منافاتی با نبی بودن او ندارد. درست مانند آنکه کسی را حاکم و والی قرار دهنده، ولی زمان آغاز حکومت اورا در آینده و چند سال بعد تعیین کنند. این تأثیر زمانی شروع حکومت منعی برای حاکم بودن او نیست. (همان، ص ۲۵۳)

مشابه این نظر از ابن عربی هم نقل شده که علم پیامبر به پیامبری خویش در همان زمان حاصل شده و دیگر انبیاء که به لحاظ زمانی مقدم بر او هستند، در واقع، نواب پیامبر می‌باشند. (ابن العربی، ج ۱، ص ۱۴۳، ۱۴۶، ۲۴۳؛ ج ۲، ص ۱۰۸؛ ج ۳، ص ۲۲)^۱ صحیحه احوال و دیگر روایات مشابه آن در بیان تفاوت نبی، رسول و محدث (نک: همان، ص ۲۶۶، روایت شماره ۲۷) در کنار روایات نقل شده از پیامبر ﷺ با این مضمون که «كنت نبیاً و آدم بين الماء والطين» یا «بين الروح والجسد» و نیز اخبار فراوان موجود در خصوص آنکه ابراهیم ﷺ قبل از آنکه امام باشد، خلیل بوده و قبل

۱. جالب آنکه ملاصدرا این روایت را حدیثی مشهور و شاهدی بر وجود عالم مثل افلاطونی دانسته و گفته است: «و أعلم أنَّ المَنْقُولَ مِنْ بَعْضِ الْقَدْمَاءِ كَافِلًا طُوْنَ القَوْلَ بِقَدْمِ النُّفُوسِ الْإِنْسَانِيَّةِ، وَيُؤَيِّدُهُ الْحَدِيثُ الْمَشْهُورُ: كَنْتُ نَبِيًّاً وَ آدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ». (شیرازی، ج ۹، ص ۳۳۱-۳۳۲)

از آن رسول و پیش از آن نبی و قبل از همه عبد خدا بوده است (مجلسی، ج ۱۲، ص ۱۲) همگی، دلالت دارد که نبوت پیامبر اکرم ﷺ قبل از شروع رسالت و دعوت رسمی ایشان بوده است.

۴-۱) آغاز نبوت از بدو طفولیت

تأکید برخی محققان بر تفاوت بین رسول و نبی و برتری مقام نبوت بر رسالت و اینکه هر رسولی قبل از آغاز دعوت رسمی خود از مقام نبوت برخوردار است (نک: عرب) و نیز مطالب مبسوطی که برخی دیگر درباره مهر نبوت و ماهیت آن و اینکه از ابتدای طفولیت پیامبر تا رحلت ایشان با وی همراه بوده (نفیسی) به طور ضمنی، دلالت بر تقدم نبوت بر رسالت و آغاز آن از بدو طفولیت پیامبر ﷺ دارد.

همچنین برخی دیگر تصریح دارند که بر اساس روایات، پیامبر قبل از آنکه رسول باشد، نبی بوده و نبوت او از زمان ولادتش آغاز گردیده است. (عاملی، خلفیات کتاب مؤساة الزهراء ﷺ، ج ۱، ص ۳۹۹-۴۰۲) افزون بر این، به اعتقاد برخی کلام امام علی علیه السلام در خطبه قاصده که می فرمایند: «ولقد قرن الله به من لدن ان كان فطیماً أعظم ملك من ملائكته يسلک به طريق المکارم و محاسن أخلاق العالم لیله و نهاره...» (شرف رضی، خ ۱۹۲؛ ابن ابی الحید، ج ۱۳، ص ۲۰۱) بهترین دلیل بر تقدم نبوت پیامبر بر رسالت ایشان است؛ زیرا همان‌گونه که در متن این کلام آمده است، پیامبر ﷺ از همان بدو طفولیت به واسطه یکی از ملائکه بزرگ الهی، تحت تعلیم مستقیم خداوند بوده و مکارم اخلاق و محاسن آداب را از این طریق فراگرفته است و این چیزی جز معنای نبوت نیست. (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۷۸)

پیامبر ﷺ طبق نقلهای معتبر و آثار مستفیضه، قبل از بعثت، مؤید به روح القدس بوده و فرشته وحی با ایشان سخن می‌گفته است و پیامبر هم صدای آن ملک را می‌شنیده و در خواب اورا می‌دیده و از همان طفولیت، به عبادت خداوند مشغول بوده است، ولی نوع این عبادت برای ما مشخص نیست؛ اما در چهل سالگی و پس



از آغاز دعوت رسمی و نزول قرآن، فرشته وحی را در بیداری هم مشاهده نمود.
در روایتی از امام باقر علیہ السلام چنین نقل شده که عیسیٰ علیہ السلام - که در گهواره سخن
گفت - بر کسانی که سخن او را شنیدند حجت بود و در همان هنگام از مقام نبوت
برخوردار گشت؛ اما بعد از هفت سال مأمور به تبلیغ شد و به رسالت رسید. (کلینی،
ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۳)

همچنین روشی است که «آتافی الكتاب» دلالت بر آن دارد که دریافت کتاب در
زمان ماضی بوده است؛ یعنی موقعی قبل از زمان تکلم در گهواره و اگر بنا باشد
کلمات جعلی و آتافی را مربوط به آینده بدانیم، «جعلني مباركاً» هم متعلق به زمان
آینده خواهد بود و دلالت بر نفعی برکت در زمان تکلم در گهواره خواهد داشت؛
حال آنکه حضرت عیسیٰ علیہ السلام در تمام احوال و لحظات زندگی خویش و نه فقط در
آینده مبارک است و اینکه عیسیٰ بخواهد بگوید من در آینده پیامبر خواهم شد و
کتاب به من عطا می شود، معنای نخواهد داشت و در آیه شریفه هم هیچ قرینه
حالیه یا مقالیه‌ای برای حمل آن بر زمان مستقبل وجود ندارد (عاملی، خلفیات کتاب
مأساة الزهراء علیها السلام، ج ۱، ص ۳۸۳)؛ بلکه کلام او در کمال عقل و ثبوت تکلیف و حصول
نبوت بود و ظاهر آیه هم بر همین نکته دلالت دارد. (مفید، ص ۱۲۵) علامه مجلسی با
توجه به این روایت و نیز روایات فراوانی که «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يُعْطِ نِبِيًّا فَضْلَةً وَ لَا كَرَامَةً وَ لَا
مَعْجِزَةً إِلَّا وَ قَدْ أَعْطَاهُ نَبِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ» چنین استدلال می کند که چگونه ممکن است انبیای
گذشته در کودکی و از بدو تولد، نبی بوده باشند، اما پیامبر اسلام علیه السلام که افضل از
ایشان است، تا سن چهل سالگی بی بهره از مقام نبوت باشد. همچنین به نظر وی با
توجه به روایات فراوانی که در خصوص مقام ائمه اطهار علیهم السلام و خلقت نوری آنها و
احوالات و کمالات ایشان در عالم اظلله و میثاق رسیده است و اینکه قبل از خلق
آدم، این ذوات مقدس در حجب نور به عبادت و تسبیح خدا اشتغال داشته و
ملانکه از ایشان تسبیح و تهلیل و تقدیس و... را فراگرفته اند و یا روایات مربوط به
خلقت نوری ایشان و نیز اخبار ولادت امیر المؤمنین علیه السلام و قرائت کتب آسمانی در بدو



ولادت و نیز پاسخگویی امام زمان علیه السلام به سؤالات مشکل شیعیان و اخبار از امور غیبی در زمان صباوت و هنگامی که در آغوش پدر خویش بودند و نیز فضایل دیگر ائمّه، برای هیچ فرد عاقلی، جای شکّی باقی نمی‌ماند که پیامبر اکرم که افضل انبیاء است، قطعاً قبل از آغاز رسالت در سنّ چهل سالگی، متعبد به دستورهای الهی و برخوردار از مقام نبوّت بوده و تمامی این فضائل را داشته است. علاوه بر این، اخباری که در خصوص ولادت پیامبر علیه السلام و اظهار نبوّت توسط ایشان در همان بدو

تولد رسیده نیز تأیید دیگری بر این مدعّ است. (مجلسی، ج ۱۸، ص ۲۷۹)

در این خصوص، گرچه برخی گفته‌اند این امر جنبه عمومی نداشته و به حسب شرایط و موقعیت آن زمان بوده است و نبود آن برای پیامبر اسلام علیه السلام منقصتی به شمار نمی‌آید، اما دلیلی هم برای نفی اعطای نبوّت در کودکی به رسول خدا نیست. همچنین بر فرض آنکه از بد و طفویلت تا زمان رسیدن به بلوغ را نادیده بگیریم، اما پس از آن، هر مکلفی باید به دستورهای الهی عمل کند. هیچ زمانی این تکلیف از کسی برداشته نمی‌شود؛ از این‌رو، لازم است تا پیامبر علیه السلام در آن هنگام نبی بوده و عامل به شریعت خود باشد و یا اینکه از شریعت انبیای پیش از خود تبعیت کند. پس اگر بر این باور باشیم که قبل از شروع دعوت رسمی در سنّ چهل سالگی، هیچ وحیی به پیامبر علیه السلام نشده و پیامبر در آن هنگام نبی نبوده، با توجه به آنکه طبق اخبار متواتره خداوند در هیچ زمانی زمین را خالی از حجّت قرار نداده است و در زمان پیامبر علیه السلام هم اوصیاء عیسی و ابراهیم علیهم السلام بوده‌اند، لازم است تا ایشان از اوصیاء عیسی علیه السلام - بر فرض جهانی بودن دین مسیح علیه السلام - یا اوصیاء ابراهیم علیهم السلام تبعیت کند و آنها حجّت بر پیامبر باشند، اما این فرض به دو دلیل ممکن نیست. نخست آنکه پیامبر افضل از آنان است و دوم آنکه ابوطالب و غیر او نمی‌توانند حجّت بر پیامبر علیه السلام باشند و تنها مستودع وصایای نبوّت بوده‌اند. (نک: مجلسی، ج ۱۷، ص ۱۴۰ و

ج ۳۵، ص ۷۳)



حدیث شقّ صدر

یکی از دلایل کسانی که آغاز نبوت رسول خدا را بدو طفویت می‌دانند، استناد به حدیث شقّ صدر است که با تفاوتهاي در ذکر سنّ پیامبر و مواضع روی دادن این حادثه، نقل شده است.^۱ این جریان در منابع سیره و تاریخ به عنوان یکی از معجزات پیامبر ﷺ ذکر شده و فضیلتی برای ایشان به شمار آمده است و آن را از امور خارق العاده‌ای دانسته‌اند که باید در مقابل آن تسلیم بود و به آن ایمان داشت و آن را از امور محال ندانست؛ زیرا روایان این حدیث از جمله ثقات و مشاهیر دانسته شده‌اند؛

این جریان بر طبق نقلهایی که وجود دارد، یکبار در زمان طفویت پیامبر و بار دیگر در سنّ ۱۰ سالگی و دیگر بار در سنّ حدود ۵۰ سالگی و شب معراج روی داده است و این تکرار از باب فضیلت و شرف برای وی است. این کارگرچه شاید در آن زمان محال به نظر می‌رسید، اماً امروزه در بسیاری از جراحیها مشابه آن انجام می‌شود و کاری است در حدّ قدرت بشر و اگر بشر بتواند چنین کاری انجام دهد، به طریق اولی، این امر از سوی عوامل آسمانی امکان‌پذیر است و استبعادی ندارد.

(بن‌حبان، ص ۳۷، پاورقی)

اماً داستان شقّ صدر به اجمال، چنین است که روزی پیامبر در دوران طفویت و هنگامی که خارج از مکّه و در قبیله بنی سعد بود، به ناگاه جبرئیل فرود می‌آید و شکافی در سینهٔ وی ایجاد می‌کند و قلب پیامبر ﷺ را در تشتی از آب زمزم شستشو می‌دهد تا بهرهٔ شیطان از آن پاک شود. راوی این ماجرا که انس است، می‌گوید: من اثر این خط را در سینهٔ پیامبر مشاهده کردم. این حدیث را بیشتر منابع عامّه نقل کرده‌اند. (بن‌حبان، ج ۱۴، ص ۲۴۲-۲۵۰؛ بیهقی، ص ۵ و ۷ و ۸؛ ابن‌هشام، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۳، ابن

۱. برخی از دانشمندان اهل سنت این جریان را برای شب معراج نیز ذکر کرده‌اند. (نک: ابن حبان، ج ۳، ص ۳۴)



ابیالحدید، ج ۱۳، ص ۲۰۵-۲۰۶) و حتی تأیفات مستقلی هم درباره این جریان نگاشته شده است.^۱ (نک: البغدادی، اسماعیل باشا، ایضاح المکنون، ج ۲، ص ۶۷۵؛ همو، هدیة العارفین، ج ۱، ص ۶۵۶؛ کحاله، ج ۶، ص ۲۵۰)

در برخی منابع، ابوهریره تنها فردی است که از رسول خدا درباره نخستین چیزی که با آن نبوت آغاز شد سؤال می‌کند و می‌گوید: «یا رسول الله! ما اول ما ابتدئت به من امر النبوة؟» و پیامبر هم در پاسخ، جریان شقّ صدر را برای او تعریف می‌کند.^۲ (المقریزی، ج ۳، ص ۳۲-۳۷) این جریان چنان مسلم فرض شده که برخی حتی اشعاری درباره آن سروده‌اند و معتقدند که این جریان در طول عمر پیامبر ﷺ سه تا پنج بار تکرار شده است. (ابوریه، ص ۱۸۷، به نقل از ابن‌هشام)

همچنین غالب مفسران در ذیل آیات سوره انشراح این داستان را ذکر کرده و دلایلی را در قبول یا رد آن مطرح نموده‌اند. از جمله، علامه طباطبایی آن را از باب مثل و نه حقیقت، جایز دانسته‌اند. (طباطبایی، ج ۲۰، ص ۳۱۷) و دیگرانی هم که این قصه را در کتاب تفسیر خود آورده‌اند، در توجیه آن چنین گفته‌اند که برفرض پذیرش صحّت چنین روایتی، نمی‌توان منظور از آن را قلب جسمانی دانست و مدلول آیه شرح صدر، مفهومی وسیع و گسترده دارد که این رویداد برفرض صحّت، تنها مصداقی از آن محسوب می‌شود. (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۲۳)

نقد

محقّقان و تحلیلگران تاریخ اسلام (العاملى)، الصحيح من سیره النبی الاعظم، ج ۲، ص ۸۳-۹۰؛ پیشوایی، ص ۱۰۶) به دلایل متعدد این موضوع را دور از واقعیّت و از مجموعات می‌دانند. از جمله آنکه این روایتها به لحاظ متن، دچار نوعی اضطراب و

۱. النقل المتین في شق صدر النبي الأمين، عثمان بن أحمدين موسى الضجاعي الحكمي (م حدود ۹۸۶).

۲. مشابه همین روایت به ابودر هم نسبت داده شده است. (المقریزی، ج ۳، ص ۳۴)

چندگونگی نقل هستند و به علاوه به لحاظ سندی هم قابل مناقشه‌اند. (یوسفی غروی، ج ۱، ص ۲۶۵)

همچنین چگونه ممکن است منبع تمامی شرور غده یا الخته خونی در قلب باشد که با برداشتن آن انسان به یک فرد متّقی و معصوم تبدیل شود. آیا در این صورت، عصمت امری جبری نخواهد بود که با یک جراحی تمام بدیها از پیامبر دفع شده باشند؟ و اگر قرار است با برداشته شدن این غدّه تمامی شرور بطرف شوند، دیگر چه نیازی به تکرار این کار و حتّی در زمانی پس از بعثت است؟ آیا خداوند نمی‌توانست از ابتدا پیامرش را بدون وجود چنین چیزی در قلب او خلق کند تا دیگر نیازی به این جراحی در دنای نباشد؟ و آیا این داستان با افضلیت پیامبر بر تمامی دیگر انبیاء منافات ندارد؟ ضمن آنکه اصل این جریان برگرفته از اسطوره‌های دوران جاهلیّت است. (عاملی، الصحيح من سیرة النبی الاعظم، ص ۸۶ و ۸۸ - ۹۰)

همچنین برخی از دانشمندان معاصر اهل سنت، از جمله محمود ابوریه، در کتاب اضواء علی السنّة المحمدیّة به شدت، به ردّ آن پرداخته و این قبیل روایات را از جمله اسرائیلیات و ساخته و پرداخته علمای اهل کتاب دانسته است.

معتقدان به حدیث شَقْ صدر آیا به آیات قرآن توجه نکرده‌اند؟! به ویژه آنچه در سوره حجر آمده که خداوند به شیطان می‌فرماید تو بر بندگان مخلص من تسلط نداری. (حجر ۱۵ / اسراء ۴۲) / (۱۷ / ۸۵) با این بیان آیه شریفه دیگر چه جای نفوذی برای شیطان در پیامبر می‌ماند تا نیاز به شَقْ صدر و خارج کردن تأثیرات شیطانی از قلب پیامبر باشد؟ برفرض هم که این حدیث صحیح باشد، خبر واحد است و با احادیث متواتری که مفید یقین است، در تعارض می‌باشد. (ابوريه، ص ۱۸۸) ابوریه به نقل از استاد خود محمد عبده چنین می‌گوید که: برای ما مسلم است که شیطان بر بندگان مخلص خداکه نبی مکرم اسلام برترین آنان است، تسلط ندارد و آنچه در احادیث مبني بر اسلام شیطان پیامبر به دست ایشان و یا زدوده شدن بهره شیطان از

سینهٔ پیامبر (حدیث شَقْ صدر) و مانند آن آمده، همگی اخبار ظنی و آحاد است و به دلیل آنکه ایمان به این اخبار، از مقوله ایمان به غیب و عقایدی است که نباید در آن به اخبار ظنی عمل کرد، ما مکلف به اخذ این احادیث در عقاید خود نیستیم

(ابوریه، ص ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷ و ۱۸۸)



خاتمه و نتیجه‌گیری

نبوت پیامر اکرم ﷺ از سن چهل سالگی آغاز گردید و مدّتی بعد با نزول آیه «فاصد عما تؤمر» دعوت علنی و رسالت ایشان پایه گذاری گردید؛ اگرچه ایشان از بد و طفولیت مؤید به روح القدس و تأییدات الهی بوده‌اند. درباره آیین پیامبر اکرم قبل از بعثت نیز می‌توان گفت که، ایشان در این دوران بر آیین حنیف ابراهیم ﷺ بوده‌اند و نه یهودی و مسیحی، زیرا حضرت مسیح ﷺ پیامبر بنی اسرائیل بوده و دین او برخلاف آیین حنیف ابراهیم، دینی جهانی و فراگیر نبوده است.



منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

١. ابن ابی الحدید. *شرح نهج البلاغة*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. قاهره: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۹۶۱ م.
٢. ابن حبان. *صحیح ابن حبان*. تحقیق شعیب الأرنؤوط. مؤسسه الرساله، چاپ دوم، ۱۴۱۴ / ۱۹۹۳ م.
٣. ابن سعد. *الطبقات الكبرى*. بیروت: دار للطباعة و النشر، ۱۴۰۵.
٤. ابن شهرآشوب. *مناقب آل ابی طالب*. قم: المطعنة العلمية.
٥. ابن فارس، أبوالحسین أحمد. *معجم مقاييس اللغة*. تحقیق عبد السلام محمد هارون. مکتبة الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۴.
٦. ابن کثیر. *البداية والنهاية*. بیروت: دارالمعرفة، چاپ چهارم، ۱۴۱۹ / ۱۹۹۸ م.
٧. ابن عربی. *الفتوحات المکتیة*. بیروت: دار صادر - دار احیاء التراث العربی.
٨. ابن منظور. *لسان العرب*. قم: ادب الحوزة، ۱۴۰۵.
٩. ابن هشام. *السیرة النبویة*. تحقیق و تعلیق و شرح و فهرس مصطفی سقا و ابراهیم ابیاری و عبدالحفیظ شبی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۱ ق.
١٠. ابوریة، محمود. *أضواء على السنة المحمدية*. نشر البطحاء، الطبعة الخامسة، مزیدة محققة.
١١. بازرگان، مهدی. پا به پای وحی: *تفسیر تدبیری قرآن بر حسب نزول*. [بی تا].
١٢. بحرانی، سید هاشم. *البرهان في تفسير القرآن*. تحقیق قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثة. تهران: بنیاد بعثت، ۱۴۱۶.
١٣. بغدادی، اسماعیل باشا. *إيضاح المکنون*. تصحیح رفت بیلگه الکلیسی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
١٤. ———. *هدیة العارفین*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
١٥. بیهقی، ابویکر احمدبن حسین. *السنن*. بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۵.
١٦. پیشوایی، مهدی. *تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام ﷺ*. قم: دفتر نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ش.



۱۷. جوادی آملی، عبدالله. *تفسیر موضوعی قرآن: سیره علمی و عملی حضرت رسول اکرم علیهم السلام*. قم: نشر اسراء، ۱۳۷۴ ش.
۱۸. خرازی، سید محسن. *بداية المعارف الإلهية في شرح عقائد الإمامية*. بيروت: دارالمیزان، ۱۴۱۲.
۱۹. رسولی محلاتی، هاشم. بحوث حول بعثة رسول الله علیهم السلام، مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید، شماره ۱۱.
۲۰. رهبری، حسن. آغاز نبوت و چگونگی نزول قرآن. *نشریه پژوهش‌های قرآنی*، شماره ۴۶ و ۴۷، تابستان و پائیز ۱۳۸۵.
۲۱. سبحانی، جعفر. *الإلهيات على هدى الكتاب والسنّة والعقل: محاضرات الأستاذ الشيخ جعفر سبحانی*. به کوشش حسن مکی عاملی. بيروت: الدار الإسلامية، ۱۴۱۰.
۲۲. _____. *أضواء على عقائد الشيعة الإمامية*. قم: مؤسسة الإمام الصادق علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۲۱.
۲۳. _____. راز بزرگ رسالت. تهران: کتابخانه مسجد جامع تهران، ۱۳۵۸.
۲۴. _____. منشور جاوید. قم: مؤسسه امام صادق علیهم السلام، ۱۳۷۵.
۲۵. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمٰن بن ابی‌بکر. *الإنقان فی علوم القرآن*. تصحیح محمد سالم هشام. تهران: ذوی القربی، ۱۴۲۲.
۲۶. شیر، سید عبدالله. *حق الیقین فی معرفة أصول الدين*. بيروت: دارالأضواء.
۲۷. شیرازی، صدر الدین محمد. *الحكمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربع*. بيروت: دار إحياء التراث العربي. چاپ سوم، ۱۹۸۱ م.
۲۸. صالحی شامی، محمدبن یوسف. *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*. تحقیق مصطفی عبد الواحد. قاهره: وزارة الأوقاف.
۲۹. طباطبائی، سید محمدحسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. بيروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. چاپ دوم، ۱۳۹۴.
۳۰. عاملی، سید جعفر مرتضی. *الصحيح من سیرة النبي الأعظم علیهم السلام*. بيروت: دارالهادی للطبعا و النشر والتوزیع، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ ق / ۱۹۹۵ م.
۳۱. _____. *خلفیات کتاب مؤسسه الزهراء علیهم السلام*. بيروت: دار السیرة، چاپ پنجم، ۱۴۲۲.



۳۲. عرب، مهین. ولایت و نسبت آن با نبیوت و رسالت: با تکیه بر آراء سید حیدر آملی. *نشریه ندای صادق علیه السلام*. شماره ۲۳، پائیز ۱۳۸۰.
۳۳. علم الهدی، علی بن حسین سید مرتضی. *الذریعة إلى أصول الشريعة*. تحقيق گروه علمی مؤسسه امام صادق علیه السلام با اشراف جعفر سبحانی. قم: ۱۴۲۹.
۳۴. ———. *الذریعة إلى أصول الشريعة. تصحیح و تقديم و تعلیق ابو القاسم گرجی*. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۸ ش.
۳۵. عمر کحاله. *معجم المؤلفین*. بیروت: مکتبة المثنی و دار إحياء التراث العربي.
۳۶. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر. *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار احیاء التراث العربي، چاپ سوم، ۱۴۲۰ق.
۳۷. قمی، شیخ عباس. *سفینة البحار و مدینة الحكم و الآثار*. تهران: دارالأسوة للطباعة و النشر، چاپ پنجم، ۱۴۲۸.
۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب. *الکافی*. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
۳۹. کمره‌ای، میرزا خلیل. *افق وحی*. تهران: چاپخانه اسلامیه، ۱۳۴۷ ش.
۴۰. مجلسی، محمد باقر. *بحار الأنوار: الجامعة للدرر أخبار أئمة الأطهار علیهم السلام*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۴۱. مقدّسی، مطهّر بن طاهر. *البدء و التاریخ*. منسوب به ابو زید احمد بن سهل بلخی. مکتبة الشفافه الدينیة.
۴۲. مکارم شیرازی، ناصر. *پیام قرآن*. قم: مدرسة الإمام أميرالمؤمنین علیه السلام، ۱۳۷۷.
۴۳. ———. *تفسیر نمونه*. تهران: دار الكتب الإسلامية، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۷.
۴۴. مطهّری، مرتضی. *خاتمهت*. تهران: صدر، چاپ هشتم، ۱۳۷۴.
۴۵. محقق حلی، نجم الدین ابی القاسم جعفرین الحسن بن یحیی بن سعید الہذلی صاحب الشرایع، *معارج الاصول*. اعداد: رضوی، محمد حسین؛ الطبعه الاولی، ۱۴۰۳، مؤسسه آل البيت علیهم السلام للطبعه و النشر، قم.
۴۶. مقریزی. *إمتاع الأسماء*. تحقيق و تعلیق محمد عبدالحمید النمیسی. بیروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۲۰م.

٤٧. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن. **قوانين الأصول**. چاپ سنگی قدیم.
٤٨. نفیسی، ابوتراب. تحقیق درباره ماهیت «مهر نبؤت» حضرت خاتم الانبیاء محمدمبن عبد الله عليهم السلام، نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه مشهد، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۵۴.
٤٩. یوسفی غروی، محمد هادی. **موسوعة التاريخ الإسلامي**، العصر النبوی، العهد المکّی. قم: مجمع الفکر الاسلامی، مؤسسه الہادی، ۱۴۱۷.
٥٠. میلانی، سید علی. **نفحات الأزهار في خلاصة عبقات الأنوار للعلم الحجة آية الله السيد حامد حسين اللکھنوي**. ۱۴۱۴.
٥١. مفید. **أوائل المقالات**. تحقیق شیخ ابراهیم انصاری. بیروت: دار المفید للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۹۳ - ۱۴۱۴ م.
٥٢. نمازی شاهروdi، علی. مستدرک سفینة البحار. تحقیق و تصحیح شیخ حسن بن علی نمازی. قم: مؤسسه النشر الإسلامي التابعه لجامعة المدرسین، ۱۴۱۹.

منابع دیجیتال

١. سایت مجلات تخصصی نور
٢. نرم افزار جامع التفاسیر
٣. نرم افزار مکتبه اهل البيت(ع)
٤. نرم افزار دانشنامه نبوی
٥. نرم افزار معجم موضوعی بحار الانوار
٦. نرم افزار جامع الاحادیث
٧. نرم افزار نورالفقاهمه
٨. سایت پژوهشکده باقر العلوم
٩. سایت پرسمان دینی
١٠. سایت اعتقادات

